

چنان‌که کورچو در پیش‌گفتار کتاب اشاره می‌کند، او تلاش کرده است که در پنج فصلِ «هوادر»، «بازیکن»، «راوی»، «مفسر» و «روشنفکر» تصویری روشن و شفاف از فوتبال به روایتِ پازولینی برای خواننده بسازد و درنهایت با گردآوری چند مصاحبه با پازولینی درباره‌ی فوتبال این قاب را منسجم‌تر و غنی‌تر سازد. به تعبیر او، هدف فصل‌های کتاب، راهی‌شدن در دل رودخانه‌ای است که آن را علاقه‌ی پازولینی به توپ می‌نامیم: عشق او به بولونیا که هرگز خاموش نشد، تیم مورد علاقه‌اش از دوران نوجوانی؛ تجربه‌های شخصی‌اش در جایگاه یک فوتبالیست، از زمین‌های خاکی حاشیه‌ی شهر رم گرفته تا بزرگ‌ترین استادیوم‌ها در سراسر ایتالیا؛ از اشاره‌های فوتبالی در بزرگ‌ترین آثار سینمایی‌اش، انتشار داستان‌ها، رمان‌ها و اشعارش در این زمینه و فعالیت‌های پراکنده‌اش به‌عنوان خبرنگار ورزشی.

کورچو هوشمندانه فوتبالِ پازولینی را به سینما و زندگی او گره می‌زند و تلاش کرده است به جای نوشتن یک زندگینامه‌ی خشک، روایتی زنده و مملو از صحنه‌های تصویری بسازد؛ کاری که خودِ پازولینی هنگام نوشتن درباره‌ی فوتبال انجام می‌داد. پا به توپ، ممکن است بیش و پیش از هر چیزی درباره‌ی فوتبال باشد، اما درنهایت مثل همه‌ی چیزهای مربوط به پازولینی. درباره‌ی عشق یک انسان به پدیده‌هایی است که سخت به توصیف درمی‌آیند.

